

## بایسته‌های روان‌شناختی آرامش و دل‌بستگی پایدار میان همسران براساس آیه ۲۱ سوره روم

احسان ابراهیمی<sup>۱</sup> - نرجس‌النسات محسنی<sup>۲</sup>

### چکیده

ازدواج، سنگ بنای اولیه تشکیل خانواده و وسیله‌ای برای حفظ دین انسان و تکامل اوست. در آیه ۲۱ سوره روم، خلقت هر یک از همسران از نشانه‌های الهی و خاستگاه آرامش و دل‌بستگی میان آنان معرفی شده است. اما هر یک از دو عنصر آرامش و دل‌بستگی آسیب‌پذیر بوده و برای استمرار و پایداری آن‌ها به الزامات روان‌شناختی خاصی نیاز است. مسئله اصلی پژوهش حاضر، تبیین بایسته‌های آرامش و دل‌بستگی پایدار میان همسران از دیدگاه قرآن و آموزه‌های روان‌شناسی با بهره‌گیری از قراین موجود در آیه ۲۱ سوره روم است. پژوهش به شیوه گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و روش پردازش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. براساس یافته‌های پژوهش، توجه به بُعد قلبی آرامش و اصالت دادن به زن در تأمین آن، از جمله بایسته‌های روان‌شناختی پایداری آرامش میان همسران است. همچنین توجه به خاستگاه و منشأ الهی عشق میان زوجین، تمرکز بر جنبه‌های اخلاقی-انگیزشی دل‌بستگی و نیز تعمیم عشق به همه شئون خانواده از بایسته‌های روان‌شناختی

۱. استادیار جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی (عج)، مدرسه عالی تفسیر

Ehsan\_1144@yahoo.com

(نویسنده مسئول).

۲. فارغ‌التحصیل سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی، حوزه علمیه خواران، مؤسسه آموزش عالی

narjes.mohseni@gmail.com

معصومیه (عج).

دریافت: ۱۴۰۲/۵/۱۴. پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

تداوم دل بستگی میان همسران دانسته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** آرامش خانواده، دل بستگی پایدار، روابط زوجین، حکمت ازدواج، آیه ۲۱  
سوره روم، بایسته‌های روان شناختی.

## بیان مسئله

در آموزه‌های دینی به ازدواج و تشکیل خانواده اهمیت بسیاری داده شده است. اسلام در پرتو تشریح ازدواج و تأکید بر مطلوبیت ذاتی آن، به مطلوبیت غیر ازدواج نیز توجه کرده و از تشکیل خانواده، اهداف والایی را در نظر دارد. اسلام از مردان و زنانی که پیمان همسری می‌بندند، انتظار دارد که در سیر این پیمان الهی و آسمانی، آن مقاصد و اهداف خاص را در نظر داشته باشند (نساء/۴).

اگرچه شرع مقدس برای ازدواج و تشکیل خانواده، مسائل مادی ای همچون وجوب مهریه، پرداخت نفقه و تأمین پوشاک و مسکن را در نظر گرفته و بر رعایت دقیق آن تأکید کرده است؛ اما حفظ بنیان خانواده را وام‌دار رعایت مسائل روانی و معنوی می‌داند. در واقع مسائل مادی مانند نمای بیرونی ساختمان، بیشتر ظاهر خانواده را زیبا می‌کند؛ اما پایه و بدنه خانواده از طریق پاسداشت مسائل روانی و معنوی استحکام می‌یابد (نساء/۱۹). در خانواده، هر یک از زن و مرد به رعایت مسائل روانی و معنوی موظف هستند (بقره/۲۲۸). اهمیت مسائل معنوی چندان است که حتی در ادای مسائل و حقوق مادی نیز باید جهات معنوی آن در نظر گرفته شود تا قوام خانواده حفظ گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ب: ۳۱۹).

از دیدگاه قرآن، نیاز به ازدواج مانند حس گرسنگی و تشنگی از نشانه‌های قدرت الهی است؛ از این رو ناآرامی انسان در سنین جوانی نعمتی است تا او را به فکر ازدواج بیندازد. خدای سبحان با واژگانی همچون «سکینت» و «غشیان» به مسئله ازدواج اشاره می‌کند (اعراف/۱۸۹) تا انسان بفهمد که با نصیحت و وعده و وعید نمی‌توان ناآرامی و اضطراب در جوانی را درمان کرد؛ بلکه تنها راه رسیدن به آرامش و برآوردن نیاز عاطفی و دوست

داشتن در دوران جوانی و مهار این آشوب طبیعی و مقدّس، ازدواج و زندگی مسالمت‌آمیز با همنوع است (جوادی آملی، بی‌تا: ۲۳-۲۴؛ همو، ۱۳۹۳: ۵۲۲/۳۱). به عقیده روان‌شناسان اسلامی و غربی نیز ازدواج بستر مناسبی برای تأمین نیازهای دل‌بستگی، ایمنی و آرامش و حمایت روانی زن و شوهر است (سالاری فر، ۱۳۸۸: ۵۴، ۵۷؛ بستان، ۱۳۹۰: ۲۸؛ شولتز، ۱۳۸۴: ۳۸۷). مازلو روان‌شناس انسان‌گرا در هرم سلسله‌مراتب نیازهای خود، سومین نیاز اساسی را تعلق‌پذیری و محبت می‌داند که در چهارچوب ازدواج و از طریق رابطه صمیمی با همسر برآورده می‌شود (مازلو، ۱۳۶۷: ۷۷). از نظر اسلام نیز نیازهای زیستی برای حفظ حیات انسان ضروری است؛ اما باید مهار و کنترل شود (شجاعی، ۱۳۸۹: ۱/۳۸۰).

قرآن حکیم در آیه ۲۱ سوره روم از آرامش (سکینت) و دل‌بستگی (مودّت) به‌عنوان دو هدف و حکمت مهم ازدواج یاد می‌کند؛ اما هر یک از دو عنصر آرامش و دل‌بستگی در معرض تضعیف و آسیب قرار دارد و برای استمرار و پایداری آن، در گام نخست به الزامات روان‌شناختی خاصی نیاز است که از قراین موجود در آیه می‌توان برخی از بایسته‌های روانی و معنوی مرتبط با نظام خانواده، به‌ویژه همسران را تبیین کرد.

برپایه آنچه گذشت، مسئله اصلی در پژوهش حاضر کشف و تبیین بایسته‌های روان‌شناختی برای استمرار آرامش و دل‌بستگی میان همسران با توجه به قراین موجود در آیه ۲۱ سوره روم است؛ به عبارت دیگر، پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که معیارها و شاخص‌های لازم و ضروری برای استمرار و پایداری کارکردهای مهم ازدواج؛ یعنی آرامش و دل‌بستگی میان زوجین چیست؟ برای پاسخ، ضمن تمرکز بر آیه ۲۱ سوره روم از دیگر آیات و روایات و دیدگاه مفسران و روان‌شناسان نیز استفاده می‌شود. از این رو، روش تحقیق در پژوهش حاضر میان‌رشته‌ای و تلفیقی از «نقلی- و حیانی» و «علمی- تجربی» بوده و شیوه گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای با تکیه بر منابع تفسیری و روان‌شناسی (اسلامی و غربی) است. همچنین روش پردازش داده‌ها برای تبدیل به اطلاعات به صورت توصیفی- تحلیلی است و بایسته‌های روان‌شناختی حفظ آرامش و

دل‌بستگی نیز با تجزیه و تحلیل ادله نقلی و بررسی میزان دلالت آن‌ها و همچنین استناد به قراین پیوسته و ناپیوسته در دو بخش ارائه می‌شود.

### پیشینه پژوهش

گفتنی است که درباره سکینت و آرامش به عنوان یکی از اهداف ازدواج، پژوهش‌هایی به صورت کلی در قرآن یا با توجه به آیه ۲۱ سوره روم انجام یافته است؛ برای نمونه:

- «تفسیر تطبیقی آیه ۲۱ سوره روم و رویکردهای آن»، رضایی اصفهانی، محمدعلی و حمیده شورگشتی، فصلنامه سراج منیر، دوره هشتم، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۶.

در این مقاله، سنت زوجیت در قرآن به عنوان قانونی فراگیر میان همه مخلوقات و جانداران، به ویژه نوع انسان دانسته شده و از آن به عنوان عاملی برای ایجاد سکینت، مودت و رحمت یاد شده است.

- «سبک زندگی اسلامی و تأثیر مودت و رحمت از دیدگاه قرآن در پایداری و اصلاح خانواده و جامعه، با تأکید بر آیه ۲۱ سوره روم»، عمرانی، سیده نرجس و شهره روشنی، ارائه شده در ششمین همایش علمی- پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، تهران، دی ۱۳۹۷. در این مقاله با بهره‌گیری از تفسیرهای شیعی و منابع روایی معتبر و با توجه به عاطفه دینی و نقش آن در خانواده و شکل‌گیری جامعه سالم، سبک زندگی اسلامی تبیین شده است.

- «جایگاه و نقش زن در آرامش خانواده»، سمانچو، پانایا، دوفصلنامه پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده، شماره پیاپی ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.

مقاله به نقش زن در آرامش خانواده از طریق عشق‌ورزی به همسر، پاکیزگی و آراستگی، خانه‌داری، سازگاری و تفاهم پرداخته است.

- «تحلیل روان‌شناختی آرامش ناشی از ازدواج در قرآن»، طیب حسینی، سید محمود و دیگران، ارائه شده در اولین کنگره ملی قرآن و علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه،

قم، اردیبهشت ۱۳۹۶.

نویسندگان به تبیین روان‌شناختی آرامش ناشی از ازدواج پرداخته و با توجه به منابع اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند که خداوند متعال به صورت اقتضایی تمهیدات لازم را برای رسیدن همسران به خشنودی عاطفی در خانواده فراهم کرده؛ ولی تحقق عینی این هدف به بودن شرایط و نبودن موانعی بازبسته است.

وجه امتیاز مقاله پیش رو از مقالات یادشده و علت نوآوری آن، تتبع در منابع تفسیری و روان‌شناختی و بهره‌گیری از نظریه‌های مفسران و روان‌شناسان عمومی و متخصص در حوزه خانواده است. افزون بر این، نویسنده با تمرکز بر آیه ۲۱ سوره روم و بهره‌گیری از قراین پیوسته و ناپیوسته موجود درباره این آیه به تبیین بایسته‌های روان‌شناختی<sup>۱</sup> لازم برای

۱. «بایسته» و «بایست» در لغت به معنای واجب، لازم، ضروری و شیء مورد نیاز است (معین، ۱۳۸۰: ۸/۴۷۰). درباره مفاد باید و نباید، هر اندیشمندی تعریف و معنای خاصی بیان کرده (مطهری، ۱۳۵۸: ۸۳/۶۷۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۷)؛ اما در مقام کاربرد، گاهی به صورت انشایی و برای امر و نهی و گاهی به صورت اخباری و به معنای «واجب»، «ضروری» و «لازم» به کار برده شده است. کاربرد اخباری باید و نباید نشان‌دهنده رابطه علی- معلولی افعال اختیاری انسان با نتایج و اهداف مطلوب آن‌هاست. فعل انسان از آن رو که پدیده و علت خاصی است، می‌تواند معلول‌ها و پیامدهای درونی و بیرونی یا فردی و اجتماعی خاصی نیز داشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۷۴-۷۷). مراد از مفهوم «بایسته» در تحقیق پیش رو توجه به اصول، الزامات و ضروریاتی است که انسان را به سوی اهداف خود هدایت می‌کند؛ به این معنا که چنانچه مطلوب انسان رسیدن به آرامش و دل‌بستگی پایدار در خانواده باشد، بدون توجه به برخی امور ممکن نیست؛ چراکه میان این مطلوب و توجه به آن امور رابطه علی- ضروری برقرار است.

واژه شناخت نیز معادل کلمه «معرفت» در عربی و دارای کاربردهای مختلفی است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۳۶/۹؛ فتوی، بی‌تا: ۴۰۴) و عام‌ترین مفهوم آن، مطلق علم و آگاهی و از روشن‌ترین مفاهیمی است که نه تنها نیازمند تعریف نیست، بلکه تعریف حقیقی آن امکان ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۱۳۳/۱). به عقیده برخی روان‌شناسان، مفهوم شناخت؛ یعنی دانستن دربرگیرنده تمام دانشی است که آدمی به دست می‌آورد و شامل تفکر، حافظه، تشکیل مفهوم و ادراک می‌شود. (Bieler & Snowman, 1993: 390).

استمرار آرامش و دل بستگی و به کارگیری آن‌ها در زندگی مشترک پرداخته؛ مطلبی که در مقالات پیش گفته به آن توجهی نشده است. به عبارت دیگر، بایسته‌ها با توجه به قراین موجود در آیه استخراج شده و سپس مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته است.

### ۱. آشنایی با سوره روم و تبیین مفردات مهم آیه ۲۱

روم از سوره‌های مکی قرآن و براساس چینش مصحف کنونی، سی‌امین سوره و طبق ترتیب نزول، هشتاد و سومین سوره قرآن است که پس از سوره انشقاق و پیش از سوره عنکبوت نازل شده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۵/۲۱). این سوره در سال آخر اقامت پیامبر ﷺ در مکه و یک سال پیش از هجرت به مدینه نازل شده<sup>۱</sup> و محتوا و خطوط کلی معارف آن نیز که درباره اصول دین، به ویژه توحید و معاد است، به مکی بودن آن گواهی می‌دهد. در فضای شرک‌آلود مکه که دوران خفقان و ستمگری سران شرک و صنایع قریش بود، سوره روم بیشتر به مباحث توحیدی، وحی و نبوت و معاد پرداخته و در کنار آن، به خطوط کلی معارف؛ یعنی اخلاق، فقه و حقوق و سنت‌های اجتماعی اشاره می‌کند (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۶۴/۲۷۷-۲۷۸). در عمده آیات سوره روم، به نعمت‌های الهی در آسمان و زمین، نظام زوجیت در گیاهان و حیوانات، آفرینش انسان از خاک، پیوند زن و مرد، تلاش در روز و خواب در شب، بارش باران و وزش باد و حیات زمین پس از مرگ پرداخته شده است (قزائتی، ۱۳۸۸: ۱۷۷/۷). روی هم رفته در این سوره، مسائل استدلالی، عاطفی و خطابی چنان درهم آمیخته شده که معجون کاملی برای هدایت و

سیف، ۱۳۸۰: ۴۸۸). مقصود از بایسته‌های روان‌شناختی در مقاله حاضر ضروریاتی است که از یک سو، به بُعد روانی و فرایندهای ذهنی و درونی انسان مربوط می‌شود و از سوی دیگر، شناخت و آگاهی نسبت به آن‌ها می‌تواند همسران را به سوی آرامش و دل بستگی پایدار رهنمون شود.

۱. براساس تاریخ، غلبه رومیان بر ایرانیان در سال بیعت رضوان (ششم هجرت) رخ داده و غلبه اولیه ایرانیان بر رومیان نیز هفت سال پیش از غلبه رومیان و هم‌زمان با نزول سوره روم بوده است؛ بنابراین سوره روم باید یک سال پیش از هجرت و در مکه نازل شده باشد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۶/۲۱).

تربیت نفوس فراهم آمده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۶/۳۹۳).

در آیه ۲۱ سوره روم، هدف از ازدواج مسائل معنوی و روان‌شناختی‌ای همچون سکینت، مودّت و رحمت دانسته شده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾.

لِتَسْكُنُوا: از ریشه «س ک ن» و در اصل به معنای استقرار و ثبات در برابر حرکت است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵/۳۸۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۱۷؛ مصطفوی، ۱۴۰۲: ۵/۱۶۳) که به آرامش روان آدمی و رفع نگرانی، اضطراب و تشویش از او اشاره می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶/۳۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲/۲۸۹). واژه «سکینه» نیز شش بار در قرآن به کار رفته و برخی از اشتقاقات آن معنای آرامش در خود دارد.

«سکینت» در اصطلاح، نوری در قلب انسان است که در مواجهه با امور غیبی به انسان ثبات و آرامش می‌بخشد (جرجانی، بی‌تا: ۱۵۹) و از آن به‌عنوان نیروی عقل (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۱۷) یا موهبتی غیراکتسابی از سوی خدای مّنان به بندگان ویژه‌اش هنگام نگرانی و هراس دل‌هایشان یاد شده که به تقویت ایمان، افزایش یقین و ثبات نظر می‌انجامد (ابن قیم جوزیه، بی‌تا، ۲/۴۰۶).

مَوَدَّة: از ریشه «ودد» و در لغت به معنای تمایل به چیزی داشتن (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸/۹۹؛ مصطفوی، ۱۴۰۲: ۱۳/۶۴)؛ دوست داشتن (قرشی، ۱۳۷۱: ۷/۱۹۲)، آرزو کردن (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸/۹۹) و محبّت (طریحی، ۱۴۱۶: ۳/۱۵۹؛ فیومی، بی‌تا: ۶۵۳) آمده و در اصطلاح به معنای محبّتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/۱۶۶). این واژه در آیه مورد بحث می‌تواند هم به معنای دوستی و هم به معنای پیوند عاطفی و ایجاد الفت و دل‌بستگی باشد (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۶۴/۴۱۹). در تفاوت میان مودّت و محبّت می‌توان چنین گفت: مودّت بسیار علمی‌تر، دقیق‌تر و پاک‌تر از محبّت و به عشق و عشق‌ورزی نزدیک‌تر است که سبب دل‌بستگی می‌شود؛ زیرا مودّت پس از اطاعت و محبّت و در مرحله‌ای است که دوستی در صحنه دل مستقر شده باشد (کاشانی، بی‌تا: ۸/۲۱۷).

رحمت: از ریشه «رحم» و در لغت به معنای مهربانی (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳/۲۲۴؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۳/۶۹) و دل‌سوزی (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۲۳۰؛ فیومی، بی‌تا: ۲۲۳) آمده است. رحمت در اصطلاح به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و این صاحب‌دل را وامی‌دارد که او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/۱۶۶).

مودّت و رحمت از جهاتی با هم متفاوت‌اند:

الف) «مودّت» انگیزه ارتباط در آغاز کار است؛ اما در پایان که یکی از دو همسر ممکن است ضعیف و ناتوان شده و توانایی خدمت نداشته باشد، رحمت جای آن را می‌گیرد. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۶/۳۹۳)؛ به عبارت دیگر مودّت برای ایّام شباب و رحمت برای ایّام شیب است (میبدی، ۱۳۷۱: ۱۷/۴۴۶).

ب) «مودّت» مربوط به بزرگ‌ترهاست که می‌توانند به همدیگر خدمت کنند؛ اما کودکان و فرزندان کوچک در سایه رحمت پرورش می‌یابند.

ج) «مودّت» در بیشتر موارد جنبه متقابل دارد؛ اما رحمت یک‌جانبه و ایثارگرانه است؛ زیرا برای بقای جامعه گاه خدمات متقابل لازم است که سرچشمه آن مودّت است و گاه، خدمات بدون عوض که به ایثار و رحمت نیازمند است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۶/۳۹۳).

به هر رو، آیه یادشده در بیان نشانه‌های آفرینش، به آیت بودن آفرینش همسران و تداوم نسل انسان اشاره می‌کند تا توحید ربوبی را برای مشرکان مگه ثابت کرده و حکمت ازدواج و اهمیت تشکیل خانواده را نیز به مؤمنان یادآوری کند. علت این امر آن است که انسان همچون فرشته نیست که مرگ نداشته باشد؛ بلکه همواره در حال تولّد و مرگ است و تنها راه بقای نسل او نکاح با هم‌نوع است؛ از این رو، خدای حکیم برای انسان و از جنس او قرینی آفرید، تا با او هم‌نشین شده و آرامش یابد و آنان از یکدیگر بهره‌مند شوند (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۶۴/۴۱۷). با تأمل در مضمون آیه ۲۱ سوره روم به نظر می‌رسد که این آیه از



سویی به آرامش روانی همسران در قالب هدف ازدواج و از سوی دیگر، به دوستی و مهربانی به منزله کارکرد آن اشاره دارد؛ زیرا در مورد نخست از «لام غایت» استفاده شده که بر هدف آفرینش همسران دلالت دارد و در مورد دوم، فعل «جعل» به خدا نسبت داده شده که از تحقق عینی این کارکرد حکایت می‌کند (بستان، ۱۳۸۸: ۲۹).

بدین‌سان سکینت و آرامش و در پی آن مودت و عشق‌ورزی، بایسته‌هایی روان‌شناختی دارد که در ادامه و با تکیه بر آموزه‌های دینی (آیات و روایات) و آموزه‌های روان‌شناسی بیان و بررسی خواهد شد.

## ۲. بایسته‌های روان‌شناختی برای آرامش پایدار میان همسران

توجه به الزامات حفظ سکینت و آرامش میان زوجین از مسائل مهمی است که سزاوار است در عرصه خانواده به آن توجه شود. شناخت زوجیت نسل انسان به همراه اثر سکینت‌آفرینی آن و همچنین شناخت جایگاه زن در خانواده به عنوان عنصر اصلی تأمین سکینت اهمیتی شگرف و قابل تأمل دارد. ازاین‌رو، مهم‌ترین بایسته‌های روان‌شناختی برای آرامش پایدار بیان می‌شود:

### الف) توجه به بُعد روانی و قلبی آرامش

«روان» در لغت به معنای جان، نفس و روح (معین، ۱۳۸۰: ۱۶۸۱/۲) آمده است. ازآنجا که در علم روان‌شناسی، مکتب‌های مختلفی با نگرش‌های گوناگون مادی و فرامادی به انسان وجود دارد، برای روان‌معناهای متفاوتی ارائه شده است؛ با وجود این، همه مکتب‌های روان‌شناسی در این امر اتفاق نظر دارند که روان به بُعدی خاص و غیرجسمانی در وجود انسان نظر دارد که با جسم و ماده او مرتبط است (استوتزل، ۱۳۸۵: ۶؛ سوزان نولن و دیگران، ۱۴۰۲: ۱/۳۰؛ عبدالسلام زهران، ۱۹۸۴: ۱۹۷؛ نوری، ۱۳۸۷: ۱۰؛ برونو، ۱۳۸۴: ۱۸-۲۰؛ شریعتمداری، ۱۳۶۹: ۲). درآموزه‌های دینی، واژه‌ای خاص که ناظر به روان باشد، به کار نرفته است؛ اما معنای کلماتی مانند: نفس، قلب، فؤاد و روح (انعام/ ۱۵۲؛ انفال/ ۲۴؛ فرقان/ ۳۲؛ سجده/ ۹) به معنای روان نزدیک است. روان در اصطلاح، از ابعاد

وجودی انسان است که با دیگر اعضای بدن ارتباط دارد و دارای کیفیات، حالات و خصوصیتاتی است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۱۱) که می‌تواند انسان را به سوی سلامت رهنمون باشد و در صورت اختلال در آن، فرد دستخوش بیماری و حالاتی غیرطبیعی می‌شود.

توجه به بعد غیرجسمانی روان این مطلب را روشن می‌سازد که آرامش، برخلاف آسایش، امری درونی و فرامادی و لازم برای سلامت روانی انسان است. در حوزه خانواده نیز، رابطه قلبی و عاطفی مرد و زن از علّت‌های اصلی تأمین آرامش روانی آنان است که خانه را به محیطی امن تبدیل می‌کند.

بر پایه قراین موجود در آیات قرآن کریم، توجه به ارتباط آرامش با درون و قلب آدمی از بایسته‌های تداوم آن میان زوجین است؛ زیرا از نظر ادبی، هرگاه مشتقات ماده «س ک ن» با «فی» به کار برده شود، در بیشتر موارد به معنای آرامش جسمی و بدنی است؛ مانند آیه آرمیدن و آسودن بدن انسان در شب: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ﴾ (یونس/ ۶۷)؛ اما زمانی که با «الی» به کار برده شود، بیشتر درباره آرامش روانی و قلبی است؛ مانند: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾ (روم/ ۲۱) یا ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾ (اعراف/ ۱۸۹). در روایات تفسیری نیز ازدواج وسیله انس گرفتن قلوب معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۳۷۲).

بر این اساس، سکینت مانند طمأنینه بیشتر امری جوانحی و مربوط به قلب و روان است و نه جوارحی و مرتبط با بدن (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۳۱/ ۵۲۲). قرآن کریم نیز سکینت را به قلب اسناد داده است: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (فتح/ ۴) و در آیه‌ای دیگر، ارتباط قلبی پیامبر اکرم ﷺ با مؤمنان متشّرع و دعای آن حضرت ﷺ سبب دل‌آرامی ایشان دانسته شده: ﴿وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ﴾ (توبه/ ۱۰۳). این سکینت همان آرامش و طمأنینه دل و مانند آن است؛ بنابراین اختصاصی به بدن ندارد و قسمت مهمی از آن ناظر به قلب است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۳۱/ ۵۲۲؛ همو، ۱۳۹۴: ۳۵/ ۲۳۹).

### ب) اصالت دادن به زن در تأمین آرامش زوجین

خطاب کردن مردان با فعل «لِتَسْكُنُوا» و آمدن آن با حرف جرّ «إِلَى» همراه با ضمیر مؤنث «ها» نشان می‌دهد که زن مرجع و مآلی برای گرایش و تمایل مرد است. از سوی دیگر، آمدن عبارت «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» به جای «لِتَسْكُنُوا فِي الْبَيْوتِ» نشان‌دهنده این است که ازدواج و تشکیل خانواده، صرف اجتماع مذکر و مؤنث زیر یک سقف نیست (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۶۴/۴۲۶). برخی از مفسران عبارت «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» را به «لِتَسْتَقِرَّ قُلُوبُكُمْ عِنْدَهَا» تفسیر کرده‌اند؛ زیرا وقتی مردی برای امرار معاش از خانه بیرون می‌رود یا سفر می‌کند، قلبش تا وقتی که به خانه نزد همسرش بازنگشته، آرامش و استقرار ندارد (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۸/۳).

قرآن حکیم حقیقت مرد و زن را یک گوهر دانسته و هیچ امتیازی از نظر مبدأ قابلی آفرینش میان آن‌ها قائل نیست؛ لیکن براساس آیه مورد بحث، راز اصیل آفرینش زن چیزی غیر از گرایش جنسی و اطفای شهوت است. در واقع ازدواج با زن مایه آرامش مرد است و در ایجاد این آرامش و آسودگی روانی، اصالت به زن داده شده و مرد مجذوب مهر او دانسته شده است. بر این اساس، مردان هرگز نمی‌توانند به تنهایی یا با کمک مردان دیگر، فضای آرام و محبت‌آمیزی در یک زندگی مردانه بسازند؛ اما در مقابل، زنان که قدرت عاطفی بیشتری دارند، مسئول اصلی تأمین آرامش و سکینت و لینت در خانواده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف: ۴۸؛ همو، ۱۳۹۷/۷/۱۹؛ پناهی، ۱۳۹۸: ۲۳۳). عاطفه و مهر و محبت زنان این توانایی را دارد که زندگی مشترک را مانند قصری زیبا و مستحکم ساخته و آن را گرم و جذاب کند و این همان کاری است که ملات نرم و منعطف با سنگ‌های سخت کرده و سبب پیوند آن‌ها و سرانجام به وجود آمدن ساختمان می‌شود (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۶۴/۴۳۲؛ ۱۳۹۸/۹/۵؛ ۱۳۹۸/۲/۴).

گفتنی است که یادکرد قرآن از خانواده و خویشاوندان با واژه «أُولُو الْأَرْحَامِ» (احزاب/۶) نیز بیان‌کننده این است که رحامت نشئت گرفته از رحم مادر است که اساس خانواده را سامان می‌بخشد و نه صلابتی که از صلب پدر نشئت گرفته است (جوادی آملی،

چنان‌که تشبیه زن به لباس در آیه ﴿هُنَّ لِيَاسٍ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٍ لَّهُنَّ﴾ (بقره/ ۱۸۷) این معنا را در خود دارد که زن عهده‌دار تأمین سکینت در خانواده است؛ زیرا برجسته‌ترین و بهترین وجه تشبیه آیه همان آرامشی است که انسان دارای پوشش مناسب دارد، همان‌گونه که قرآن مجید در آیات ﴿جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ﴾ (قصص/ ۷۳)، ﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ﴾ (غافر/ ۶۱) و ﴿جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَاسًا﴾ (نبا/ ۱۰) از شب به سکن و لباس تعبیر کرده، این دو ویژگی را به زن نیز نسبت داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۴۶۱/۹).

براساس آنچه گذشت، توجه به نقش زن در ایجاد سکینت در خانواده و آگاهی و شناخت همه اعضای خانواده اعم از خود زن و دیگر اعضا نسبت به این نقش، از بایسته‌های روان‌شناختی‌ای است که آرامش پایدار میان زوجین را فراهم می‌سازد و می‌تواند نتایج روحی و روانی مطلوبی در کل خانواده داشته باشد.

### ج) توجه به نقش اجتماع حقیقت واحد در تأمین آرامش

از بایسته‌های روان‌شناختی پایداری آرامش زوجین توجه به آفرینش زن و مرد از یک جنس و در نتیجه، اجتماع یک حقیقت در خانواده است که در آیه مورد بحث از آن به «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» و در آیه‌ای دیگر به «نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (نساء/ ۱) تعبیر شده است. «مِنْ أَنْفُسِكُمْ»؛ یعنی «از حقیقت شما»؛ چراکه حقیقت انسان‌ها یکی است (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۶۴/۴۲۴). حرف جرّ «مِنْ» نیز نشوئیه نیست که نشان‌دهنده نشئت گرفتن یکی از دیگری باشد؛ بلکه برای بیان جنس است و به مجانست زوجین اشاره می‌کند (صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶: ۲۳/۱۳۴)؛ از این رو برخی معتقدند که «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» به معنای «مِنْ نَوْعِهَا» است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۸/۳۸۴). در واقع، اتحاد جنس علت پیوند و جمع شدن زن و مرد و تحقق آرامش است؛ برخلاف اختلاف که سبب تنافر و دوری و در نتیجه، آشفتگی و اضطراب است. خدای حکیم برای مرد از جنس و شکل او زوج و قرینی آفرید تا از هم‌نشینی با او آرامش یابد؛ چون تمایل به هم‌نوع بسیار بیشتر از تمایل به غیر هم‌نوع

است (طوسی، بی تا: ۸/۲۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۴۷۰؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۱/۶۷، ۲۰۱/۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۲۳/۱۳۴؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱/۳۲؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۰/۳۰۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۳/۴۳۴). تشابه زن و مرد در جنبه‌های جسمانی و روانی، افزون بر مکمل بودن ابعاد جسمانی و روانی شخصیت آنان دو عامل مهم در جذب ایشان به هم و ایجاد انس و دل‌بستگی است (سالاری فر، ۱۳۸۸: ۵۴) و از سوی دیگر، نقش بسزایی در تولید نسل دارد؛ چون برای تولید فرزند به سکینت و آرامش نیاز است (طوسی، بی تا: ۵/۵۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴/۱۷؛ ۷/۳۳۷).

بدین سان نفع انسان در رفع نیازهای معقول و مشروع اوست و خدای علیم با حکمت بالغه خود هر یک از زن و مرد را به گونه‌ای آفرید که هنگام قرار گرفتن کنار یکدیگر، در تمام ابعاد کامل شده و نیازهایشان برآورده شود؛ در مقابل، زن یا مرد تنها، ناقص و نیازمند به دیگری است و از اجتماع آن دو است که واحدی تام و تمام درست می‌شود. حکمت گرایش هر یک از زن و مرد به دیگری نیز رفع همین کاستی و نیاز است که چون برطرف شود، آرامش پدید می‌آید (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۶۴/۴۲۳).

مردان عهده‌دار اداره زندگی و تأمین معاش‌اند و چون این امر با کوشش، خستگی و اضطراب همراه است، به آرامش نیاز دارند و از آنجاکه بیگانه نمی‌تواند مایه آرامش باشد، خداوند برای سکینه و آسایش مرد، زن را آفریده است (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۶۴/۴۲۵؛ همو، ۱۳۸۸: ۱۷/۱۱۰).

### ۳. بایسته‌های روان‌شناختی دل‌بستگی پایدار میان همسران

بر زوجیت مرد و زن در نظام تکوین، آثار فراوانی مترتب می‌شود. یکی از این آثار، دل‌بستگی و عشق و عاطفه خاصی است که میان زن و شوهر پدیدار می‌شود که در آیه مورد بحث از آن به «مودت» تعبیر شده است. حفظ و پایداری این عنصر، الزاماتی روان‌شناختی دارد که اهتمام به آن‌ها در تقویت نهاد خانواده دارای نقش ویژه‌ای است:

## الف) توجّه به خاستگاه و منشأ الهی عشق زوجین

دل بستگی و عشق بین دو همسر نشانه‌ای از محبت و تدبیر الهی است تا صفا و صمیمیت میان اعضای خانواده نهادینه شود و بستر شکوفایی استعدادها نیز فراهم آید (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱/۴۲۴) بر پایه آیه «وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الْجِبِلَّةَ الْأُولَى» (شعراء/ ۱۸۴)، خدای والا انسان را آفرید و تمایل به زیبایی و تنفر از زشتی را در جبلت و سرشت او قرار داد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵/۳۱۲). بر این اساس، مودت و دل بستگی وصف جبلّی انسان است و درون او ریشه دارد، همان‌گونه که جبل مستحکم است و در زمین ریشه دارد، مانع نوسان و اضطراب زمین است، در دل خود معدن می‌پروراند و سرما، تگرگ و برف را به سینه می‌خرد و آن‌ها را به صورت چشمه درون خود جاسازی و سپس از دامنه خود در دشت پراکنده می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۴/۹/۱)، اصل مهم مودت نیز امری تکوینی و مطابق جبلت آدمی است که خدای والا آن را درون او تعبیه کرده است (طوسی، بی تا: ۸/۲۴۰؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۷/۳۲۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۸/۱۱۶؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱/۳۲۹).

واژه «جعل» در عبارت «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» (روم/ ۲۱) بر جعل مفارقی (مفارق از وجود زوجین) دلالت دارد و تکوینی بودن آن دو را تأیید می‌کند. جعل مفارقی؛ یعنی اینکه مودت و دل بستگی، مفارق از وجود زوجین است و از ابتدا نبوده و خدای مٔان هنگام همسریابی و ازدواج آن را در نهاد زوجین قرار داده است. قدرت بی‌نهایت خدای سبحان است که می‌تواند دو بیگانه را به یکدیگر مرتبط ساخته و میان آنان دل بستگی را به صورت جبلّی برقرار کند (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۴۸/۵۱۴؛ همو، ۱۳۹۸/۱۰/۱۵).

بر پایه سخنی نورانی از امام صادق علیه السلام نیز گرایش مرد به زن از سوی ذات اقدس الهی است؛ زیرا شهوت جنسی پس از انس انسانی حضرت آدم علیه السلام به حوا به او داده شد و در نخستین برخورد که سخن از مهر قلبی است، هرگز غریزه شهوانی مطرح نبود: «فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَاخْطُبْهَا إِلَيَّ فَإِنَّهَا أُمَّتِي وَ قَدْ تَصَلَّحُ لَكَ أَيْضاً زَوْجَةٌ لِلشَّهْوَةِ وَ أَلْقَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ الشَّهْوَةَ وَ قَدْ عَلَّمَهُ قَبْلَ ذَلِكَ الْمَعْرِفَةَ بِكُلِّ شَيْءٍ» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۳۷۹).

در پرتو همین نگرش است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زن را محبوب خود دانسته: «حُبِّبَ إِلَيَّ

من دُنْيَاكُمْ التَّسَاءُ وَالطَّيِّبُ وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» (حرر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۴/۲) و همچنين فرموده‌اند: «ما بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَعَزَّ مِنَ التَّزْوِجِ» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۳۸۳). امام صادق عليه السلام نیز فرموده است: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي التَّسَاءِ» (همان).

بر پایه روایت دیگری مودت و عشق میان همسران از قبل خداوند است: «أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، لَقَدْ عَجَبْتُ مِنْ أَمْرٍ وَإِنَّهُ لَعَجِبٌ، إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ وَمَا رَأَاهَا وَمَا رَأَتْهُ فَظَّ حَتَّى إِذَا ابْتَنَى بِهَا اصْطَحَبَا وَمَا شَاءَ أَحَبُّ إِلَيْهِمَا مِنَ الْآخِرِ» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷/۲۹۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۵/۲۵۰؛ کاشانی، بی تا: ۷/۱۷۰)؛ مردی نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: من از کاری متعجب هستم. مردی و زنی هرگز یکدیگر را ندیده‌اند، وقتی میان ایشان مناکحتی شود و یک روز با یکدیگر صحبت کنند، به حیثیتی مودت و عشق میانشان پیدا شود که از آن عجیب‌تر نباشد. آن حضرت فرمود: این از جانب حق تعالی است.

طبق این روایت، خدای متان منبع الفت و مودت و رحمت است و در نهاد مرد و زن، این مودت و رحمت را قرار می‌دهد.

این دل‌بستگی غیر از آن کشش غریزی‌ای است که در ابتدا وجود دارد. در واقع علاقه و انس و الفت خاص پس از بسته شدن پیمان همسری و زناشویی بین زن و مرد به وجود می‌آید؛ به سخن دیگر، محبت همیشه به امر خاصی تعلق می‌گیرد و به «متعلق» نیاز دارد. از این رو، پیش از انتخاب یک فرد خاص به عنوان همسر، تنها میل به جنس مخالف در انسان هست؛ اما پس از انتخاب آن فرد خاص، مودت و دل‌بستگی که همان محبت خاص زن و شوهر است، میان آنان پدید می‌آید (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۳۱۸). بدین سان، خدای والا هرگز از روی جبر و بدون وجود اسباب اختیاری چنین محبتی میان همسران ایجاد نمی‌کند؛ بلکه براساس عبارت قرآنی «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»؛ یعنی وقتی مرد و زن عقد همسری بستند و قرار گذاشتند یک عمر با هم و در کنار هم زندگی کنند، به تدریج عواطف خاصی نسبت به یکدیگر در آن‌ها پدید آمده و رشد می‌کند و این سبب

تحقق عینی آرامش در خانواده می‌شود (بستان، ۱۳۹۰: ۲۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۷۰/۳).  
بر پایه آنچه گذشت، توجه به الهی بودن عشق زوجین از یک سو و اختیاری بودن  
پایداری این محبت از سوی دیگر برای تحقق و استمرار آرامش در خانواده، امری بایسته و  
ضروری است.

### ب) توجه به بعد عقلانی عشق و دل‌بستگی

قرآن کریم در نگاه به ازدواج و تشکیل خانواده، به غریزه جنسی چندان بهایی  
نمی‌دهد؛ زیرا این غریزه در حیوانات نیز هست. برخلاف غریزه جنسی، مودت و  
دل‌بستگی در انسان امری عقلی و بخردانه است و نه غریزی. از تعبیر «من آیاته» در صدر  
آیه ۲۱ سوره روم و «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» در ذیل آن برمی‌آید که مسائل دقیق  
ازدواج و تشکیل و تداوم خانواده به تفکر دقیق و مداوم نیاز دارد تا انسان‌ها بتوانند  
حقیقت آن را به خوبی ادراک کنند؛ زیرا ایجاد عشق و دل‌دادگی میان زن و شوهر از سوی  
خدای حکیم، از نشانه‌های قدرت الهی است (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۶۴/۴۴۶).

اگر مودت و دل‌بستگی بر پایه عقل بنا شود، با گذشت زمان عقلانی‌تر نیز شده و  
باعث محکم‌تر شدن اساس خانواده می‌شود. بر این اساس، رابطه زن و مرد باید بر پایه  
آرامش حکیمانه استوار شود و نه ارضای غریزه محض. این بینش و روش سبب اصالت  
دادن به بنیاد خانواده است؛ وگرنه هر نر و ماده‌ای تلقیح و تولید مثل دارند؛ حیوان و گیاه  
باشند یا انسان. از سوی دیگر، خانواده‌ای که بر پایه غریزه جنسی استوار شود، دوام زیادی  
ندارد؛ چون با گذشت زمان و افزایش سن زن و شوهر، غریزه کاهش یافته و دوستی غریزی  
نیز سست می‌شود و چه بسا بنیان خانواده از هم بپاشد. از این رو، ذات اقدس الهی عشق  
و دل‌بستگی عقلی و ایمانی و گذشت عاقلانه از اشتباهات یکدیگر را محور تشکیل  
خانواده پایدار می‌داند. چنین دوستی‌ای سبب آرامش قلب می‌شود؛ چراکه قلب فقط در  
پرتو امور معنوی آرام می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۹/۴۶۱؛ ۱۳۹۳: ۳۱/۵۲۱؛ ۱۳۹۷: ۴۶/۶۵۰  
۱۴۰۱: ۶۴/۴۴۲؛ ۱۳۹۸/۹/۵؛ ۱۳۹۸/۲/۴).



آری، اگر علاقه، مودّت و دل‌بستگی از سوی شهوت و وهم رهبری نشود؛ بلکه عقل عملی و نظری؛ یعنی انگیزه صحیح و اندیشه تام آن را هدایت کند، منشأ سکینت و آرامش زوجین و پایداری زندگی ایشان خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۴۶/۶۵۰).

### ج) تمرکز بر جنبه‌های اخلاقی - انگیزشی عشق و دل‌بستگی

رابطه عشق و دل‌بستگی زن و شوهر امری انگیزشی، عاطفی و اخلاقی و براساس حکمت است و نه حکمی فقهی و دستوری تا در صورت نبود آن، اصل نکاح از نظر صحّت و بطلان آسیب ببیند؛ ازاین‌رو در مواردی، مانند ناشز بودن مرد یا زن که مودّت و دل‌بستگی ای میان آنان نیست، اصل نکاح محفوظ است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۲/۶۹-۷۰).

برخی از استناد به آیه «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ...» (مجادله/۲۲) و قرار دادن آن در کنار آیه مورد بحث، برای تأیید حکم فقهی عدم جواز ازدواج با اهل کتاب بهره گرفته‌اند؛ زیرا نکاح ایجادکننده مودّت و دل‌بستگی است و مودّت و دل‌بستگی اهل کتاب روا نیست (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰/۴۱). این قیاس که به صورت شکل ثانی تقریر شده، عقیم و غیرمنتج است؛ زیرا میان دل‌بستگی عاطفی با نوع فقهی آن خلط شده است. براساس قاعده «تعلیق حکم بر وصف مشعر به علیّت است»، از آیه پیش‌گفته چنین مستفاد می‌شود که مؤمن به علّت برخوردار از ایمان، به محادّ از آن نظر که محادّ است، مودّت و دل‌بستگی ندارد که البته این مودّت و دل‌بستگی ناپسند، چنان‌که آمد، فقهی است و نه عاطفی؛ در حالی که با توجه به سیاق آیه ۲۱ سوره روم، مودّت و دل‌بستگی میان زن و شوهر امری انگیزشی و عاطفی است. ازاین‌رو، چه بسا پدری از عمل فرزند خویش ناراضی بوده و آن را تقبیح کند و به او مودّت فقهی نداشته باشد؛ اما نسبت به او مودّت و دل‌بستگی عاطفی داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۲/۶۹-۷۰؛ ۱۳۹۳: ۳۱/۵۲۱؛ ۱۳۹۷: ۴۶/۶۵۰؛ ۱۳۹۸/۹/۵؛ ۱۳۹۸/۲/۴؛ ۱۴۰۱: ۴۱۷/۶۴).

گفتنی است که بر پایه برخی روایات نیز عالی‌ترین نوع موّدت و دل‌بستگی میان دو همسر برقرار است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۰۶؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۵۵۹)؛ یعنی هیچ پیوندی همانند نسبت همسری نیست و هیچ عدلی در موّدت برای دو همسر جز موّدت و دل‌بستگی آن دو به یکدیگر نیست و همین عامل اساسی است که شالوده خانواده را نه تنها استحکام می‌بخشد (جوادی، ۱۴۰۱: ۶۴/۴۳۴)، بلکه زمینه‌های توسعه وجودی و رشد شخصیت را فراهم می‌آورد. تعامل محبت‌آمیز و صمیمی اعضای خانواده با دیگران سبب می‌شود تا آنان دیگران را در قالب بخشی از وجود خود حس کنند. به اعتقاد ژان پیاژه، روان‌شناس معروف اروپایی، این اتفاق نوعی توسعه خود است و در ازدواج و خانواده این پدیده به وضوح رخ می‌دهد و هر عضوی از خودمیان‌بینی به سوی میان‌وگرایی حرکت می‌کند؛ از این رو برای همسر و فرزندان و اعضای خانواده ایثار و فداکاری کرده و آنان را جزئی از وجود خود می‌داند (پیاژه، ۱۳۷۶: ۳۵۹).

بنابراین توجه به منحصر به فرد بودن نوع موّدت و دل‌بستگی میان زوجین می‌تواند پیامدهای مطلوب روانی برای آنان و همچنین فرزندانشان به ارمغان آورد و این نوع از دل‌بستگی را استمرار بخشد.

#### د) توجه به متقابل بودن عشق و دل‌بستگی زوجین

اساس خانواده با دو اصل قوی و قویم موّدت و دل‌بستگی تحکیم یافته است و این عامل اساسی سهم بسزایی در ایجاد ارتباط متقن و پیوند ناگسستنی بین زن و شوهر دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۵/۶۷۴-۶۷۵). دین اسلام بر توجه متقابل همسران به برآوردن نیازهای عاطفی یکدیگر، به ویژه نیاز به توجه، احترام و محبت تأکید کرده و نقش بسیار مهمی برای این عامل در تأمین آرامش روانی همسران قائل شده است (بستان، ۱۳۹۰: ۲۹). دو رکن خانواده؛ یعنی زن و مرد باید برابر همدیگر از کشش و عشق برخوردار باشند تا رضایت و نشاط را احساس کنند و این احساس زمانی به دست می‌آید که کانون خانواده آرامش و آسایش داشته باشد و این کانون از راه تفاهم برخاسته از موّدت و دل‌بستگی

متقابل تحقق پیدا می‌کند. مودت و ظاهر ساختن دوستی و حالت دل‌دادگی، پیوسته به صورت کنش و واکنشی متقابل میان همسران ادامه می‌یابد و به ایجاد عواطفی عمیق‌تر و بادوام‌تر میان آنان می‌انجامد و این امر وحدت و استحکام بنیان خانواده را در پی دارد و پرتو آن به فرزندان نیز سرایت می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۴۱/۵).

همچنین عبارت «بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» ناظر به شفقت و ترحم متقابل همسران یا حتی والدین به فرزندان و فرزندان به والدین است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۲۷/۱۴). به علت لطافت ناشی از مودت و دل‌دادگی‌ای که خدای والا در نهاد زوجین قرار داده، هریک به دیگری تمایل دارد (طوسی، بی‌تا: ۲۴۰/۸).

گفتنی است که دلالت عبارت «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» (روم/۲۱) بر خلقت زوجین از یک جنس نیز مؤیدی بر متقابل بودن دل‌بستگی زوجین است؛ زیرا هم‌جنس به هم‌جنس تمایل و علاقه دارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۴۷۰؛ سید قطب، ۱۴۲۵: ۵/۲۷۶۳).

آری، هر ناقصی مشتاق کمال خویش است و هر نیازمندی به چیزی گرایش دارد که نیاز او را برطرف کند و این ویژگی در زن و مرد مشترک است. از این رو، قرآن کریم در آیه مورد بحث از دل‌بستگی دوسویه میان زن و مرد خبر می‌دهد؛ یعنی زنان و مردان به گونه‌ای خلق شده‌اند که میانشان عشق و دل‌دادگی حاکم است و با دوسویه بودن این رابطه معنوی، آرامش و سکون نیز دوسویه است. بنابراین، زن و مرد نیازهایی دارند که در سایه هم‌زیستی آنان تأمین می‌شود و این نیاز به نیاز جنسی محدود نیست؛ بلکه نیازهای انسانی را نیز دربر می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ب: ۳۱).

#### ه. تعمیم عشق و دل‌بستگی به همه شئون خانواده

دل‌بستگی و عشق مشترک میان زن و شوهر فقط یک امر نفسانی و قلبی نیست، بلکه در همه شئون خانوادگی ظهور و بروز می‌یابد. توضیح مطلب اینکه محبت، چه ظهور عملی داشته باشد چه نه، امری نفسانی و قلبی است؛ اما مودت و دل‌دادگی بالاتر از محبت و دارای آثار فردی و جمعی است. همچنین مودت و دل‌دادگی عنصر محوری

و امری اساسی به شمار می‌آید (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۳۹/۲۵۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۶/۱۳۶؛ سالاری فر، ۱۳۹۳: ۲۲۷، ۲۳۱) و توجه به آن می‌تواند در پایداری دل‌بستگی میان دیگر اعضای خانواده نیز مؤثر باشد.

بر پایهٔ سیاق آیهٔ مورد بحث، مراد از مودّت و دل‌بستگی گونهٔ خانوادگی آن است و دیگر روابط خانوادگی همچون رابطهٔ والدین و فرزندان را دربر می‌گیرد و حتی می‌توان گفت که اطلاق آیه شامل مودّت میان افراد جامعه نیز می‌شود که از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌های آن جامعهٔ کوچک خانواده است؛ چراکه زن و شوهر در مودّت و دل‌دادگی ملازم یکدیگرند و با کمک هم به فرزندان کوچک خود نیز اظهار دل‌بستگی و عشق می‌کنند. بدین‌سان، وقتی طفل صغیر نمی‌تواند حوایج ضروری زندگی خود را تأمین کند، مودّت و دل‌بستگی است که والدین را وامی‌دارد برای حفظ و حراست، تغذیه، لباس، منزل و تربیت او بکوشند. اگر این مودّت و دل‌بستگی نبود، نسل بشر به کلی منقطع می‌شد و هرگز ادامه نمی‌یافت (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/۱۶۶).

ضرورت این فراگیری و تعمیم، مدلول آیهٔ ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ (نساء/۱) نیز هست؛ زیرا هدف از امر به تقوا در آیه این است که هر عضوی از اعضای خانواده حق دیگری را ادا کند و همگی به سان یک دست در انجام دادن آنچه به نفع همگان است، همکاری و همیاری کنند تا خانواده از زندگی شایسته‌ای برخوردار شده و در آن مشکل حادثی وجود نداشته باشد (مغنیه، ۱۴۱۴: ۶/۱۳۶).

به اعتقاد روان‌شناسان نیز آرامش و اطمینانی که برای همسران و حتی دیگر اعضا در محیط خانوادهٔ بهنجار ایجاد می‌شود، در هیچ جای دیگری پدید نمی‌آید و محیط خانواده امن‌ترین و رضایت‌بخش‌ترین بستر برای برآوردن نیازهای روانی، به ویژه تأمین آرامش روانی است. محبت، غم‌خواری و پذیرش یکدیگر که از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ضروریات زندگی اجتماعی است، در خانواده به بهترین وجه تأمین می‌شود (بورنستین، ۱۳۸۰: ۱۲-۱۳).

## نتیجه

در پندار ظاهری و سطحی توده مردم، تمکّنات و مسائل مادّی سبب قوام و پایداری خانواده است؛ اما در نگرش قرآن حکیم، خانواده در کنار ظاهر و صورت خود که مرتبط با مسائل مادّی است، حقیقت و باطنی هم دارد که اساس خانواده به شمار می‌آید و بی‌توجهی به آن مایهٔ تزلزل است. بر پایهٔ آیه ۲۱ سوره روم، آفرینش همسر و برقراری آرامش از سویی و برقرار ساختن مودّت و دل‌بستگی خردمندانه برای تحکیم پیوند زناشویی از سوی دیگر، نشانه‌هایی برای اهل تفکرند. مسئله ازدواج و راه‌های تحکیم آن به تفکر دقیق و مستمر نیاز دارد تا انسان‌ها بتوانند حقیقت آن را به خوبی درک کرده و ازدواج را صرف اجتماع جنسی مذکر و مؤنث ندانند.

بر پایهٔ قرآن موجود در آیه مورد بحث و دیگر آیات و روایات، آرامش و دل‌بستگی پایدار میان زوجین دارای الزامات روان‌شناختی است. توجه به ویژگی قلبی بودن آرامش، اصالت دادن به زن در تأمین آرامش و تأمین آرامش از طریق ایجاد اجتماع حقیقت واحد از بایسته‌های روان‌شناختی برای آرامش پایدار میان زوجین است. همچنین توجه به خاستگاه الهی دل‌بستگی زوجین، توجه به بُعد عقلانی دل‌بستگی، تمرکز بر جنبه‌های اخلاقی- انگیزشی دل‌بستگی، توجه به متقابل بودن دل‌بستگی زوجین و تعمیم دل‌بستگی به همهٔ شئون خانواده از بایسته‌های روان‌شناختی پایداری آن در خانواده است.

خدای مٔان، مسئولیت آرامش را به زن و مسئولیت مدیریت و تدبیر را به مرد داده است؛ زیرا زن در عاطفه و مرد در مدیریت قوی‌تر است. بی‌تردید، زن یا مرد تنها ناقص و محتاج به طرف دیگر است و از اجتماع آن دو است که واحدی تام و تمام درست می‌شود. خدای سبحان برای هر یک از انسان‌ها از جنس خودشان زوج و قرینی آفریده است تا با هم‌نشینی آرامش یابند و از یکدیگر بهره‌مند شوند.

دل‌بستگی میان همسران امری تکوینی و نشانه‌ای از محبت و تدبیر الهی است تا صفا و صمیمیت بین اعضای خانواده نهادینه شود و بستر شکوفایی استعدادها فراهم

آید. اگر مودت و دل‌بستگی به صورت متقابل و بر مبنای عقلانیت باشد، در همه شئون خانواده ظهور یافته و مایه تحکیم خانواده و تعالی افراد و جامعه خواهد بود؛ ولی اگر مبنای آن مادی و شهوانی باشد، پس از مدتی فروکش کرده و نظام خانواده از هم می‌پاشد و به جدایی می‌انجامد؛ امری که امروزه در نظام خانواده به سبک غربی، روی داده است. بنابراین، باید این دو عنصر و دو نعمت را به خوبی حفظ کرد و خانواده را با عقل تحکیم بخشید. البته سهم همسران در مسائل طبیعی و خواسته‌های غریزی باید کاملاً ملحوظ و محفوظ باشد و تحقق همه این امور فقط در پرتو عقل و عاطفه متقابل، نه احساس صرف یا یک‌جانبه، امکان‌پذیر است.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر، *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۳. ابن قیم جوزیه، شمس الدین محمد، *مدارج السالکین بین منازل ایتک نعبد و ایتک نستعین*، دار الحدیث، القاهرة، بی تا
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار الفکر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۵. ابوالفتوح رازی، حسین، *روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۶. استوتزل، ژان، *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه علی محمد کاردان، سمت - مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۵ش.
۷. برونو، فرانک، *فرهنگ توصیفی اصطلاحات روان‌شناسی*، طرح نو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۴ش.
۸. بستان، حسین، *خانواده در اسلام*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
۹. بورنستین، ف، *روش‌های درمان مشکلات زن‌شویی*، ترجمه حسن تونزنده جانی و نسرین کمال پور، مرندیز، مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
۱۰. پناهی، علی‌احمد، *نقش زن و مرد در خانواده با رویکرد اسلامی*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول، ۱۳۹۸.
۱۱. پیازه، ژان، دیدگاه پیازه در گستره تحول روانی به ضمیمه آزمون‌های عملیاتی در پژوهش‌های

- ژنتیک و بالینی، ترجمه و گردآوری محمود منصور و پریخ دادستان، بعثت، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۱۲. ثعلبی، احمد بن محمد، *الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۳. جرجانی، السید الشریف علی بن محمد، *التعریفات*، ناصر خسرو، تهران، بی‌تا.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، اسراء، قم، جلد پنجم، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، اسراء، قم، جلد نهم، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، اسراء، قم، جلد هفدهم، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، اسراء، قم، جلد ۲۲، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، اسراء، قم، جلد ۳۱، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، اسراء، قم، جلد ۳۵، چاپ اول، ۱۳۹۴ش.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، اسراء، قم، جلد ۳۹، چاپ اول، ۱۳۹۵ش.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، اسراء، قم، جلد ۴۶، چاپ اول، ۱۳۹۷ش.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، اسراء، قم، جلد ۴۸، چاپ اول، ۱۳۹۷ش.
۲۳. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، اسراء، قم، جلد ۶۴، چاپ اول، ۱۴۰۱ش.
۲۴. جوادی آملی، عبدالله، *حق و تکلیف*، اسراء، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۸ (ب)ش.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله، *حقوق خانواده*، اسراء، قم، بی‌تا.
۲۶. جوادی آملی، عبدالله، *دروس خارج تفسیر قرآن کریم*: (www. portal. esra. ir) وبگاه بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اسراء.
۲۷. جوادی آملی، عبدالله، *دروس خارج فقه نکاح*: (www. portal. esra. ir) وبگاه بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اسراء.
۲۸. جوادی آملی، عبدالله، *زن در آیین جلال و جمال*، اسراء، قم، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۸ (الف)ش.
۲۹. جوادی آملی، عبدالله، *مبایذ اخلاق در قرآن*، اسراء، قم، چاپ ششم، ۱۳۸۷ش.
۳۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، مؤسسه آل‌البیت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳۱. راغب اصفهانی، حسین، *مفردات ألفاظ القرآن*، دار الشامیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۳۲. زحیلی، وهبه، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج*، دار الفکر، دمشق، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.

۳۳. سالاری فر، محمدرضا، *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۸ ش.
۳۴. سالاری فر، محمدرضا، *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، چاپ پنجم، ۱۳۹۳ ش.
۳۵. سمرقندی، نصر بن محمد، *تفسیر الشمرقندی المسمی بحر العلوم*، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۳۶. سوزان نولن و دیگران، *زمینه روان‌شناسی ائکینسون و هیلگارد*، مترجم: حسن رفیعی و مجتبی دلیر، نشر ارجمند، تهران، چاپ نهم، ۱۴۰۲ ش.
۳۷. سیّد قطب، *فی ظلال القرآن*، دار الشروق، بیروت، چاپ سی و پنجم، ۱۴۲۵ ق.
۳۸. سیف، علی اکبر، *روان‌شناسی پرورشی*، نشر آگاه، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ ش.
۳۹. شجاعی، محمّد صادق، *درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی*، بی‌نا، بی‌جا، ۱۳۸۹ ش.
۴۰. شریعتمداری، علی، *مقدمه روان‌شناسی*، مشعل، بی‌جا، ۱۳۶۹ ش.
۴۱. شولتز، دوان، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یوسف کریمی و دیگران، نشر ارسباران، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۴ ش.
۴۲. صادقی تهرانی، محمّد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة*، فرهنگ اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
۴۳. صدوق (ابن بابویه)، محمّد بن علی، *من لایحضره الفقیه*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۴۴. ضیایی بیگدلی، محمدحسین، *روان‌شناسی تحلیلی*، دارالعلم، بی‌جا، ۱۳۸۳ ش.
۴۵. طباطبایی، محمّد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ق.
۴۶. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۴۷. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق.
۴۸. طوسی، محمّد، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، بی‌تا.
۴۹. عبدالسلام زهران، حامد، *علم النفس الاجتماع*، عالم الکتب، القاهرة، چاپ پنجم، ۱۹۸۴ م.
۵۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، هجرت، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.



۵۱. فضل‌الله، محمدحسین، *من وحی القرآن*، دار الملائک، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۵۲. فیتومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للزفعی*، منشورات دار الرضی، قم، چاپ اول، بی‌تا.
۵۳. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۵۴. قرشی، علی‌اکبر، *قاموس قرآن*، دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۱ش.
۵۵. قرطبی، محمد، *الجامع لأحكام القرآن*، ناصر خسرو، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
۵۶. کاشانی، فتح‌الله، *منهج الصادقین فی إیزام المخالفین*، کتاب‌فروشی اسلامیة، تهران، چاپ اول، بی‌تا.
۵۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۷ق.
۵۸. مازلو، آبراهام، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۶۷ش.
۵۹. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۶۰. مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن (ج ۳)*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۳۹۴ش.
۶۱. مصباح یزدی، محمدتقی، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۳۹۱ش.
۶۲. مصباح یزدی، محمدتقی، *رستگاران*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۶۳. مصباح یزدی، محمدتقی، *سجاده‌های سلوک*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
۶۴. مصباح یزدی، محمدتقی، *فلسفه اخلاق*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۶۵. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، مرکز کتاب‌الترجمة و النشر، تهران، چاپ اول، ۱۴۰۲ق.
۶۶. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار (ج ۱۳)*: *نقدی بر مارکسیسم*، بی‌نا، بی‌جا، ۱۳۵۸ش.
۶۷. معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، امیرکبیر، تهران، چاپ هفدهم، ۱۳۸۰ش.
۶۸. مغنیه، محمدجواد، *التفسیر الکاشف*، دارالکتاب الإسلامي، قم، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.

۶۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ دهم، ۱۳۷۱ ش.
۷۰. میبدی، احمد بن محمد، *کشف الأسرار و عده الأبرار*، امیرکبیر، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ش.
۷۱. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۷۲. نوری، محمد، *روان شناسی عمومی*، پیام نور، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۷۳. هاشمی رفسنجانی، اکبر، *تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم و موضوعات قرآن*، بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
74. Bieler, R.F & Snowman, J. (1993). *Psychology applied to teaching* (7<sup>th</sup> ed.) Houghton Mifflin.